



«عزیز خانوم: طرحی از یک زندگی به روایت کبری حسین زاده حلاج مادر شهیدان محسن، جواد، علی اصغر و محمدرضا بارفروش»

پدیدآور: فاطمه جعفری

ناشر: راه یار

تعداد صفحات: ۱۱۲ صفحه

وقتی حرف از عاطفه و دلبستگی است بالاترین نمونه که جایگزینی ندارد رابطه مادر و فرزند است. جان مادر است و جان فرزندش، پاره تنش؛ گذشتن از فرزند، گذشتن از جان است.

کتاب «عزیز خانوم» روایت مادری از جان گذشته است که نه یکبار بلکه چهار بار این امتحان الهی را لیبیک گفته. زندگی و خاطرات کبری حسین زاده حلاج، مادر شهیدان محسن، جواد، علی اصغر و محمدرضا بارفروش که خود از زنان انقلابی کاشان است. زنی که دوشادوش مردان و شاید جلوتر از آنها در جنگ شرکت کرده و برای پیروزی و موفقیت ایران از همه چیز خود گذشته است.

در این کتاب با خواندن داستان زندگی خانم حسین زاده، وقتی دوران کودکی و نوجوانی و سختی‌های آن روزگاران را بیان می‌کند، صبر و تحمل و در پی آن ساخته و پرداخته شدن یک انسان برگزیده را به عینه می‌بینید که چگونه به قلّه افتخار مادر چهار شهیدبودن می‌رسد.

نویسنده با امانتداری واژه‌ها توانسته خاطرات را با لحنی ساده و صمیمی بازگو نماید. گویی با «عزیز خانوم» رودر رو نشستهای و صحبت‌های او را با گوش جان می‌شنوی. از خاطره‌ای به خاطره دیگر، در کوچه‌پس کوچه‌های کاشان با او همراه می‌شوی. کتابی کم حجم و خوش‌خوان که از مزیت‌های مطالعه آن آشنایی با اصطلاحات و رسوم کاشان است.

واژه‌هایی چون «برنداشتن، نَهَبه، ألور، آزار، شیدکردن، ردی» به معنی «ارج و قرب، جذبه، نخود لوبیا، درد و مرض، پهن کردن، شیطنت» که در پاورقی کتاب آمده است.